

حوادث کار و گشتار پنهان کارگران در سال ۹۹

منصور تبریزی / اسفند ۱۴۰۰

طبق سالنامه آماری «سازمان تامین اجتماعی» تعداد حادثه دیدگان از ۲۱۵۶۲ مورد در سال ۹۸ بیش از ۲ برابر شده و به ۴۴۴۹۱ مورد رسیده است، به بیان دیگر تعداد حادثه دیدگان بیش از ۱۰۰ درصد، تنها در عرض یک سال، افزایش یافته است. نکته اینجاست که تا سال ۹۴ تنها ۱۸۷۸۶ حادثه در کارگاه‌های مشمول بازرسی کار گزارش شده که در نتیجه این رقم، در مدت ۵ سال، ۲.۳ برابر شده است. به این ترتیب میزان زخمی شدن، مثله گردیدگان و برای همیشه و یا بطور موقت فلج شدگان کارگر در محیط کار همواره بیش از ده برابر آمار جان باختگان در محیط کار بوده است. این رقم در سال ۹۸ نزدیک به سه برابر کشته شدگان (۱۷۵۳ کارگر) رسید. باید توجه داشت که آن چه تحت عنوان کارگاه مشمول بازرسی و یا کارگاه‌های مشمول قوانین بازرسی دولت گزارش می شود فقط شامل موسساتی که زیر پوشش این سازمان هستند می گردد و بیش از نیمی از موسسات، کارگاه ها و کارخانجات سرمایه داری ایران یعنی زیر مجموعه های سپاه، بنیاد های فرمان امام، بنیاد آستان قدس رضوی، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و صد ها بنیاد دیگر نمی گردد و هیچ گزارشی از این مراکز با صد ها هزار و حتی میلیون ها کارگر منتشر نمی گردد. علاوه بر این سازمان های مختلف سرمایه ایران که وظیفه تنظیم این آمارها را به عهده دارند و بودجه های نجومی را هر ساله می بلعند گزارشات متناقضی تحویل می دهند. طبق آماری که سازمان تامین اجتماعی ارائه کرده، ۴۴ هزار و ۴۴۱ حادثه‌ی ناشی از کار در سال ۹۹ ثبت شده که از این تعداد ۷۳۰ حادثه‌ی منجر به فوت رخ داده است. آمار وزارت کار اما رقم دیگری را نشان می‌دهد؛ طبق آمار وزارت کار در سال ۹۹ تعداد آسیب شغلی ۹ هزار و ۲۹۵ بوده که از این تعداد ۷۵۱ حادثه‌ی منجر به فوت رخ داده است!! این در حالی است که سازمان پزشکی قانونی سرمایه از ۱۷۹۰ کشته در این سال خبر می دهد. همچنین علی حسین رعیتی فرد (معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در آخرین اظهارات خود گفته «سالانه ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در کشور رخ می‌دهد که «۷۰۰ تا ۸۰۰» مورد آن منجر به فوت می‌شود!! چنین بنظر می رسد که ارگان های مختلف سرمایه بخصوص در دو سال اخیر به عمد ایجاد سر در گمی می کنند تا حقیقت جنایات سرمایه داری علیه کارگران پنهان بماند. آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی دولت سرمایه تا آبان ۹۹ تعداد کارگران کشته شده در کار را ۱۲۵۸ رقم گزارش کرده بود. حتی ایلنا نیز به این امر اذعان دارد و

در آبان این سال (۱۴۰۰) می نویسد «آمار رسمی همیشه میزانی کمتر از آنچه در واقعیت اتفاق افتاده را نشان می دهد. آمار ارائه شده توسط مراجع رسمی بیشتر مربوط به کارگاه‌های بزرگ است و بسیاری از کارگاه‌های کوچک را دربر نمی گیرد. به علاوه بسیاری از کارگران آسیب دیده و خانواده‌های کارگران متوفی، بعد از حادثه با کارفرما بر سر گرفتن دیه به توافق می رسند و اینگونه بخش قابل توجهی از این حوادث از محاسبه در آمار رسمی خارج شود»!! این سایت رسمی سرمایه از قول دست اندر کاران ادامه می دهد «همچنین باید به این نکته نیز اشاره کرد که آمار مربوط به بیماری‌های شغلی معمولاً پنهان می ماند. کارگران بسیاری هستند که بعد از سال‌ها کار به دلیل عدم اجرای صحیح قوانین مربوط به ایمنی و بهداشت با مشکلات و بیماری‌های مختلفی مواجه می شوند. از بیماری‌های ساده تا بیماری‌های خطرناکی چون آسم و سرطان، نتیجه‌ی کار کردن در محیط‌های ناسالم است». رقم ۱۷۹۰ کارگر کشته شده در محیط کار زیر پوشش دولت سرمایه با تعداد کارگران ساختمانی کشته شده این سال ۹۹ که خبرگزاری هرانا ۳۸ درصد (حدود ۶۷۰) گزارش کرده مطابقت دارد. زیرا رقم گزارش شده نظام پزشکی قانونی تا آبان ۵۳۰ کارگر ساختمانی بود. در زمینه کارگاه‌های خارج از شمول قانون تامین اجتماعی آمار در دست نیست و سازمان تامین اجتماعی هم به سبب نداشتن مسئولیت بازرسی در آنها، آمار را منتشر نمی کند اما این سیر افزایشی می تواند در کارگاه‌های کوچک خارج از شمول قوانین کار و تامین اجتماعی بیشتر هم باشد. ظاهراً هر روز ما شاهد این حوادث کاری و سوانحی که به از بین بردن زندگی یک کارگر و خانواده او می انجامد را هستیم بر اثر تکرار این سوانح حساسیت انسانی و طبقاتی خود را نسبت به این مسایل از دست می دهیم، کارفرمایان و مدیران سرمایه اینرا هم به عنوان یک امر عادی در رابطه با فروش نیروی کار خود به حساب می آورند. آن را اتفاقات ساده و روزانه پیرامون ما، در کارخانه و محیط کار دیده و به سادگی از کنارش می گذرند. هر روز این مسایل در دور بر ما اتفاق می افتد، و ذهن و حواس ما را متوجه خود می کند. ولی ما کارگران هیچ وقت از خود نمی پرسیم، تا کی باید پاشنه در به این سو بچرخد؟ اصلاً برای چی من باید به خاطر زنده ماندن نیروی کار خود را بفروشم؟ به چه علت سهم من از ارزش تولید شده توسط خود و هم طبقه‌ی های خود تقریباً نزدیک به صفر باشد؟ پس اگر میخواهیم شاهد از بین رفتن انسانیت خود به عنوان کارگر و از بین رفتن خانواده خود، گور خوابی، کارتن خوابی، تن فروشی و پاره تن فروشی خود و دیگر انسانها نباشیم، اگر میخواهیم شاهد نابودی لحظه به لحظه خود نباشیم، چاره‌ای نداریم، که از دیدن محض اتفاقات روزانه که در پیرامون ما در محیط کار در محل زندگی مان اتفاق می افتد کمی فراتر رویم و دلیل استمرار آن چه سوانح کاری نام گرفته و کشتار کارگران است را بررسی کنیم، آنوقت نوع نگرش ما و بررسی پدیده‌ها از سوی ما عوض خواهد شد. کارگری از روی جرتقیل پرت شد و در دم جان سپرد. کارگری به خاطر گیر کردن مقنعه اش در دستگاه خفه شد، و در دم جان سپرد. جان سپردن یک کارگر و یک انسان وحشتناک است. هر چقدر

در این مسئله عمیق تر شویم، باید به این مشکلات به عنوان کارگر نوعی و بعنوان طبقه کارگر جواب بدهیم، که چه اتفاقاتی پیش آمده که ما بعنوان فروشنده نیروی کار در این مناسبات کارمزدی هر روز بیشتر از روز قبل قدرت چانه زنی خود را از دست می‌دهیم، قدرت تغییر و نابودی مناسبات کارمزدی را بیشتر از ذهن خود دور می‌کنیم. حتی اگر ما می‌خواهیم در رابطه با پیشگیری حوادث و سوانح کاری و یا خواست‌های روز مره طبقه‌ی خود و در رابطه با خواست مزد بیشتر و استخدام رسمی خواست خود را به طبقه سرمایه دار تحمیل کنیم، باید به عنوان یک طبقه دست در دست هم بگذاریم و خط بطلان بر مبارزه در درون یک کارخانه!! بکشیم، و قدرت طبقاتی خود در محل کار زندگی خیابان و شهر و کشور و جهان نشان دهیم. در آخر اگر ما قدرت طبقاتی خود را در مقابل قدرت طبقه سرمایه دار بکار نگیریم نابودی مناسبات کارمزدی که سهل است، حتی نمی‌توانیم به خواسته‌های عاجل و روز مره خود دست پیدا کنیم، چون خواست‌های روز مره در رابطه با مبارزه طبقاتی مفهوم پیدا میکند، و باید توجه کنیم که هیچ طبقه حاکمه ای بدون ترس از قدرت طبقه مخالفش دست به هیچ عقب نشینی نخواهد زد.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye